

تماشاخانه

امیر رضا کوهستانی و حکایت مرز به مرز ش

سمنانه احمیدیان

■ نمایش درمیان ابرها نوشته امیررضا کوهستانی قرار است که بار دیگر و بعد از هشت سال که از نوشتن آن می گذرد، امسال در ماه مارس ۲۰۱۲ در مرکز فرهنگی اوانلسیس در آتن به مدت سه روز رفت. نمایشنامه‌ای که با گذر هشت سال همچنان در سراسر دنیا هر روز بیش از پیش شناخته می‌شود و مخاطبان گسترده‌تری به‌دست می آورد. قصه این نمایشنامه‌نویس و کارگردان ایرانی که متولد شیراز است و کارش را با نوشتن داستان و علاقه به سینما آغاز کرد به گونه‌ای می‌توان گفت، معرفی تئاتر معاصر ایران را به تئاتر جهان در بر دارد او با نوشتن نمایشنامه «قصه‌های درگوشی» در هجدهمین جشنواره تئاتر فجر برن نخستین‌بار با به عرصه حرفه‌ای تئاتر گذشت اما با بنا نهادن گروه تئاتر مهر در سال ۷۶ و نوشتن و به صحنه بردن نمایش «قص روی لیوان‌ها» با همین گروه به چهره‌ای شناخته‌شده-نه تنها در ایران که در سراسر جهان تبدیل شد، او این نمایش را در بسیاری از کشورهای اروپایی به‌صحنه برد و تئاتر ایران را که چهره معاصرش کمتر دیده شده بود را نمایان کرد. بعد از این کار موفق، او در سال ۲۰۰۲ نمایش «تجربه‌های اخیر» را در آلمان به صحنه برد و بعدا آن را بازنویسی کرد. از نمایش‌های دیگر او می‌توان به «خون خشک و سبزی تازه» و «کوارتت» در سال ۸۶ نیز اشاره کرد. امیررضا کوهستانی کارگردان باتجربه‌ای است که شاید بتوان گفت این تجربه‌بازی او و تجربه‌های گوناگونش و به صحنه بردن کارهایش در سراسر جهان از اروپا تا آمریکای شمالی با گروه تئاتر مهر و نوشتن در کنار نمایشنامه‌نویسانی از فرهنگ‌های مختلف، از آفارش گونه‌های سادگی و ضدساده‌پیشی ساخته که نقطه قوت کارهای او، به‌خصوص برای حضور در عرصه‌های بین‌المللی است. برای مثال می‌توان به کار مشترک او با دو کارگردان ژاپنی «رویزا هیراتا» و کارگردان فرانسوی «سیلوان موریس» که در نهایت به اجرایی مشترک که در ژاپن و فرانسه به صحنه رفت، اشاره کرد. تجربه‌ای که امیررضا کوهستانی آن را نه فقط در قالب یک اتفاق بین‌المللی دنبال کرد، بلکه با نگاشتی به آثار بعدی‌اش می‌توان دریافت که در حداقل‌ترین شکل خود به شناخت انسانی عمیقی در کارهایش می‌رسد که شخصیت‌هایش را با وجود ایرانی بودن خود برای دنیای تئاتر معاصر خراج می‌دهد. او مرزها هم ملموس و زنده خلق می‌کند. شخصیت‌هایی که نه تنها برای ما ایرانیان ملمو از نشانه‌های ساده فرهنگی ایرانی هستند بلکه برای انسان‌ها در سراسر جهان، حتی دور و ناشناخته قابل پذیرش‌اند و میل به شناختن‌شان را به مخاطب خارجی نشان می‌دهند، همان طور که نمایش



«۱۷ دی کیجا بودی؟» که نه تنها در تهران با استقبال روبه‌رو شد که بعد از اجرای آن در کشورهای مختلفی با مخاطبان مختلف به اجرا رفت. از این منظر می‌توان به این نتیجه رسید که آثار امیررضا کوهستانی با وجود سادگی در زبان، صحنه و بیان موقع و موضوع خود در قالبی خلق می‌شوند که این امکان را می‌دهند که هر بار دایره مخاطبانش گسترده‌تر شود. اتفاقی که سال‌ها در ایران به شکل پیگیر گفت با آثار او اتفاق می‌افتد.

نمایش در میان ابرها شاید شاخص‌ترین نمایشنامه او از این منظر است. نمایشنامه‌ای درباره مهاجرت، اما مهاجرت با زبان و بیان امیررضا کوهستانی و از جنس او، این نمایشنامه برای نخستین بار در سال ۲۰۰۴ در دوره‌های «رویال کورت» در لندن شکل گرفته است. رویال کورت از سال ۱۹۹۲ روی برنامه توسعه کار بین‌المللی با تمرکز روی کشف دیالوگ‌های تازه، با نمایشنامه‌نویسانی از سراسر دنیا همچون برزیل، روسیه، پاکستان، اسپانیا، هند، آلمان و بسیاری کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری کرد. این مجموعه تئاتری که اساسا بر پایه نوشتن در تئاتر گام برمی‌دارد از سال ۱۹۹۷ برنامه‌ای منظم برای همکاری با نمایشنامه‌نویسان بین‌المللی تدارک دیده تا بیابند و متدو نگاهشان در نوشتن را با آنها به اشتراک بگذارند. در این ۱۷ سال که از این فعالیت رویال کورت می‌گذرد، امیررضا کوهستانی نخستین نمایشنامه‌نویس از ایران بود که نه تنها در این برنامه شرکت کرد که نمایشنامه‌اش را همان مجموعه چاپ کرده و در سالان اصلی آنجا به اجرا برد. نمایشنامه در میان ابرها، نخستین بار در ایران در سال ۲۰۰۵ در جشنواره فجر به اجرا رفت. این نمایش با بازی حسن معجونی و شیوا فلاحیان به زبان فارسی با زیرنویس انگلیسی در رویال کورت به صحنه رفت و از موفق‌ترین اجراهای آن سال در رویال کورت بود. بعد از اجرای آنجا این نمایش در بسیاری کشورها به صحنه رفت و با وجود اینکه موضوع مهاجرت سال‌هاست که کار می‌شود، اما به اجرای موفق و شناخته‌شده در جهان تبدیل شد. امیررضا کوهستانی همچنان پررنگ‌ترین شخصیت تئاتری ایران در عرصه بین‌المللی است. زبانش را به گوش انسان‌ها با بیانی ساده از انسانیت می‌رساند. این‌روزها او با علاقه نخستین خود به سینما آمده و فیلم «پدربازی ساده» به کارگردانی مانی حقیقی را که به تازگی بر پرده جشنواره برلیناله به نمایش در آمده، نوشته مشترک او با مانی حقیقی است؛ فیلمنامه‌ای که روایت یک نمایش‌نامه‌نویس حرفه‌ای از سینماست. امیررضا کوهستانی نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر ایران، از این مرز تا آن مرز را با تئاترهایش پیمود و می‌توان گفت که تئاتر ایران را هم در جریان حکایتش از مرزهای بسته‌شاه رهاپند.

سرپرست مرکز هنرهای نمایشی در گفت‌وگو با «شرق»:

مجوزهای صادره دائمی و قطعی نیست

فرزانه ابراهیمزاده



عکس: مهدي حسيني، شرق

است. گفت‌وگو با دشت‌گلی چند روز مانده به تعطیلات نوروزی در دفتر مدیر مرکز و پیرامون اتفاقات و شایعاتی که در جریان بود انجام شد. این روزها خبرهایی درباره رفتن او مطرح است. اگر این واقع‌ه محقق شود این سخنان می‌تواند نظر سرپرست قبلی باشدند نه بیشتر. سرپرستی که در زمان او تعدیل و توقیف نمایش‌ها در صدر اخبار تئاتری بود.

دفتر مدیر مرکز هنرهای نمایشی در طبقه دوم ساختمان معاونت هنری در این سال‌ها میزبان مدیران مختلفی بوده است که برخی از آنها مانند حسین مسافر آستانه و حسین یارسانبای از اهالی تئاتر بودند و برخی دیگر سابقه مدیریتی داشتند مثل خسرو نشان. این دفتر بعد از استعفاي مسافر آستانه در دست محمد دشت‌گلی به عنوان سرپرست قرار دارد. می‌گوید مسوولیت‌های اداری زیادی در تئاتر داشته

هر چند موردی که می‌خواهید بگویید من شفاف پاسخ‌خواهم داد.

■ **در اصول مذهبی ما دروغ جزو گناهان کبیره است. در فرهنگ ایرانی هم این نکته تاکید شده که دروغ گویی برابر با خشکسالی است.**
خب از این موضوع مذهبی تر سراغ دارید؟
اما خشکسالی و دروغ توقیف می‌شود و ۱۱ روز یک گروه کامل نمایشی حرفه‌ای تکلیف خودشان را نمی‌دانند. ضرر وزیانی که گروه دیده پرداخت نمی‌شود و حتی با وجود استقبال تماشاچی و رضایت گروه بعدی اجرای اضافه داده نمی‌شود. آن هم اثری که در سال ۸۸ روی صحنه رفته و هیچ مشکلی نداشته است. من هر دو اجرا را در زمان تمرین و روی صحنه دیدم. هیچ تفاوتی نداشتند. قوانین که همان قوانین قدیمی است. این نشان می‌دهد که سلیقه‌ای رفتار می‌شود.

من هم قبول دارم که دروغ تقبیح شده و قابل پذیرش نیست. اما علت اینکه آن کار متوقف شد ۲۲ مورد بود که لازم نمی‌دانم به آنها اشاره کنم. به عنوان مخاطبی که تئاتر خواندم و ۲۰ سال است در این حوزه فعالیت می‌کنم تعجب کردم چرا با این همه موارد مجوز گرفته است؟ ما مافکری می‌کنیم. می‌توانیم هر شوخی‌ای را روی صحنه بکنیم و فضا فضایی است که می‌شود این کار را کرد. یک چند مورد که گفتیم در کتاب هم منتشر شده و ایشان به این استناد کردند.

■ **این شوخی‌هایی که می‌گویید در خیلی از کارها هست اما آن کارها مضمون مذهبی ندارند؟**
ما هم در اندیشه که مشکل نداریم. شکل آرایشاش مشکل ساز بود. نه این اثر و نه هر اثر دیگری که بنیان خانواده را قلقلک بدهد، نمی‌پذیریم. به عنوان یک مسوول می‌گوییم. اصلا شوخی هم با هیچ بخشی نداریم.

■ **اسما ما داریم درباره تناثر صحبت می‌کنیم. تناثر ابزار گسترده‌ای است و شما نمی‌توانید آن را محدود کنید.**
ما هم درباره تناثر صحبت می‌کنیم. ما می‌گوییم صحنه تئاتر مقدس است. شاید هر کسی به خودش اجازه بدهد هر چیزی روی صحنه بگوید ما وظیفه‌مان این است که – یعنی وظیفه اخلاقی، اعتقادی و اداری‌مان – صیانت کنیم از مضامینی که نباید گسترش داده شود. ما به آقای یعقوبی گفتیم، می‌تواند هر مرجعی را می‌تواند دنبال کند و حوقش را بگیرد. اما اثری مطرح می‌گردد ممکن است تصمیم گرفته شود که نمایش آن نباشد. من با شما موافق نیستم این اثر با اجرای سال ۸۸ متفاوت بود. اشاره‌هایی به رییس‌جمهور لبی در آن اثر نبود.

■ **ببینید توافق داریم که این اثر یک اثر اجتماعی هست یا خیر؟**
نمایش اجتماعی باید به روش باشد، خب این تغییرات کوچک نشانه به روز بودنش بود. آیا باید اینقدر سخیف استفاده شود؟ چه ضرورتی دارد که عنوان شود به آقای قزاقی تجاوز شد؟ این زشت است. شما به عنوان خواهر و همکار من خجالت می‌کشید. درمورد کار خانم محامدی هم بگویم که راجع به یک نیروگاه هستنای بود. ایشان می‌گفت که من فکر نمی‌کردم این مجوز بگیرد. سه بار هم آدم پرسیدم که آیا مجوز گرفته یا خیر؟ این سوال وقتی مطرح می‌شود که نه دهنش علامت سوالی وجود دارد. این همه متن‌هایی که باید مجوز بگیرد ممکن است با دقت نظر خوانده نشود. تمام فضایی که در این سال‌ها استیکار جهانی فشار آورده به دلیل بحث هستنای و نیروگاه بوشهر که جزو غرور ملی ما هست را به شکلی عنوان کنیم که انگار نیروگاهی است از وسایل مستعمل استفاده شده و باعث فاجعه شده و آن را تخریب می‌کنیم. شاید سوءتفاهم پیش می‌آید و همه متن‌هایی که باید مجوز بگیرد ممکن است با دقت نظر مراقب باشند. همین اثر با یک گروهی به کار گروه تخصصی می‌رود و ۹۰ میلیون تومان برآورد حساب می‌شود. من به عنوان ناظر کیفی مرکز هنرهای نمایشی مسوول هستم زسر اگر این برآورد را امضا کند باید از نظر کیفی هم آن را تایید کنم. اثر را دیدم ۹۰ میلیون نمی‌آرزیذ. به لحاظ هنری نمی‌آرزیذ.

مضامین مورد نظر داشته باشیم. ■ **مسیری که اشاره کردید چندان ساده هم نبود.**
از طرفی شایعه شده است سیاست در برخی گروه‌های نمایشی در سال ۹۱ حمایت از تئاتر‌هایی است که مضامین مذهبی و مناسبتی و به اصطلاح ارزشی دارند. در تئاتر کمتر تئاتری به صحنه رفته است که جنبه هنری‌اش بر مضمونش قالب است. یعنی راه برای اجرای سایر آثار بسته می‌شود و فقط یک گونه نمایش اجازه اجرا پیدا می‌کند. با توجه به قول و قرارای که مدیر تئاتر شهر با برخی گروه‌های حرفه‌ای گذاشته بودند این شایعه تعطیلی چندماهه تئاتر شهر مطرح شد. خود شما هم این را تلویحا تایید کردید که قرار است فقط از نمایش‌هایی که با ارزش‌های خاص خود شما همخوانی دارد حمایت کنید. بله، من این را گفتیم. اما تاکید بر مذهبی بودن نکند. از مضمون دفاع مقدس و هرچه بر گرفته از باورها و اعتقادات مردم باشد ما حمایت بیشتری خواهیم کرد. شاید سوءتفاهم پیش بیاید. ما به عنوان یک تشکیلات دولتی موظف هستیم پولی که در اختیارمان گذاشته شده و از مالیاتی است که شما پرداخت کردید مدیریت کنیم. این جزو وظایفی است که باور داریم و باید دنبال کنیم. در تئاتر شهر هر اثر مذهبی دفاع مقدس و حتی اجتماعی و شاد باید مشتمل بر شرایط هنری باشد و زیبایی‌شناسی هنری داشته باشد. اگر نباشد که دارم هشدار می‌دهم. مراقب باشند. همین اثر با یک گروهی به کار گروه تخصصی می‌رود و ۹۰ میلیون تومان برآورد حساب می‌شود. من به عنوان ناظر کیفی مرکز هنرهای نمایشی مسوول هستم زسر اگر این برآورد را امضا کند باید از نظر کیفی هم آن را تایید کنم. اثر را دیدم ۹۰ میلیون نمی‌آرزیذ. به لحاظ هنری نمی‌آرزیذ.

ادامه در صفحه ۱۵

نظارت و ارزشیابی می‌رود. شورای نظارت هم باید متن را بخواند و تقاضایی که آمده را بررسی کند. بعد از صدور مجوز گروه کار را تمرین می‌کنند و به مرحله بازیبندی می‌رسانند. بعد از دیدن کامل اجرا هست که مجوز را می‌گیرند. در این مرحله هست که شورای حمایت وارد می‌شود و از متن براساس داده‌های اصلی حمایت می‌کند. این یک روند بسیار طبیعی است. یک مبلعی در اختیار مرکز هنرهای نمایشی است در حدود سه میلیارد تومان که برای حمایت از همه گروه‌های حرفه‌ای تئاتر تهران است. یکی از مفاد اصلی، حمایت از هنرمندان است. وقتی یک اثر همه این مراحل را طی کرد باید به کمیته تخصصی برود. در این کمیته کارگردان و رییس تالار مربوطه و نماینده خانه تئاتر و مدیرعامل انجمن نمایش و کارشناس مرکز هنرهای نمایشی راجع به قرارداد تیب براساس رزومه گروه و کارگردان، مبلغی را بایست کمک‌هزینه به گروه می‌دهند و سهمش را از فروش تنظیم می‌کنند. در این قرارداد چند گروه وجود دارد که هر کدام یک قیمت دارد. شورای حمایت می‌تواند این نمایش را ارایه دهد و در برآورد اولیه میزان حمایتش را اعلام کند یا به کار گروه تخصصی بفرستد. بعد از اینکه از شورای تخصصی باز به شورای حمایت برمی‌گردد، شورا باز براساس پرداختن به برخی از مضامین مذهبی و دغدغه‌های ملی و هرچه متناسب هست مبلغی به آن اضافه می‌کند. یکسری مضامین هست که باید دنبال کنیم و به آنچه جزو باورهای

ما هست باید تاکید بیشتری داشته باشیم و بعد تعیین کنیم صددردد قرارداد تسبب را با مبلغی را کم

پس زیاد کنیم. ما برای حمایت از یک گونه و جریان خاص تئاتری و ارزشی باید سهم بیشتری بگذاریم. این خیلی روشن است و شورا دارد این کار را انجام می‌دهد. خیلی از دوستی که در جایی اشتباه کرده باشیم. مثلا در مورد یک نمایشی که در ایرانشهر اجرا می‌شد دقت لازم

در صدور مجوز نبود

به این بحث و نمایش خشکسالی و دروغ برمی‌گردیم. اما جدا از اینکه می‌گویید شورای حمایت در صدور مجوز وارد نمی‌شود اما با هنرمندان که صحبت می‌کنیم همه از عملکرد این شورا ناراضی هستند. در صحبت‌های آقای شاه‌آبادی و خود شما بود که شورای حمایت برای صدور مجوز آسان تر مجوز و قرارداد‌های نمایشی داماندازی شده است. اما صرف‌نظر از خیلی مسایل راه‌اندازی این شورا بیشتر کردن سیر بروکرایی در اجرای یک نمایش است. کارهای جدید را با مجوز گرفتن مجوز خیلی هم ساده است. راه بعد از بررسی به شورای نظارت و ارزشیابی می‌فرستد. بعد از آن فیلتر که گذشت باید به دفتر مدیر کل نمایشی بیاید و بعد از امضای مدیر کل شورای حمایت باید نظر نهایی بدهد که می‌شود از این کار حمایت شود یا خیر؟ از سوی دیگر تئاتر خصوصی در ایران هنوز وجود ندارد. تئاتر‌هایی که در ایرانشهر تا حدودی خصوصی است هم به صحنه می‌آید و هم از مرکز هنرهای نمایشی کمک‌هزینه می‌گیرد. حالا برای گرفتن همین پول مختصر ۱۰ تا شورا باید نظر بدهند.

۱۰ تا شورا نیست. اما اگر ۱۰ تا مرجع هم باشد مطمئن باشید برای حفظ حقوق هنرمندان است. اگر ما احساس کنیم که مرحله‌ای را دنبال می‌کنیم که احتیاج به اصلاح دارد. این کار را خواهیم کرد. اما روند گرفتن مجوز خیلی هم ساده است. هنرمند ما مراجعه می‌کند به تئاتر شهر و اثرش را به شورای هنری می‌دهد. این شورای هنری برای این ایجاد شده است که مقداری فضا و استقلال برای تالار‌هایمان بیشتر باشد. این شورا که نماینده تئاتر شهر هم بین‌شان هست این آثار را می‌خواند و به لحاظ هنری و دراماتیکی نظر می‌دهند که این اثر متناسب این مجموعه هست و بعد پیشنهاد می‌دهند به رییس تالار مربوطه. رییس هم تقاضا را به مرکز می‌فرستد و از آنجا کارها به شورای

موضوع این است که در ۱۰ جشنواره هم به نمایش در آمده باشد، مانع این تصمیم‌گیری نمی‌شود. به این معنا نیست که آن نمایش نمی‌تواند اجرای عمومی داشته باشد. این وظیفه شورای نظارت است که مجوز متن و اجرا را می‌دهد. آن هم مجوز‌های حداقلی برای اجرا. یک کار ممکن است مطرح باشد، مذهبی باشد، اجتماعی یا هر موضوع دیگری داشته باشد. این کارها به هر گروهی بخواهد در هر جایی اجرا شود، این شورا براساس بودجه‌ای که در دستش است و اطلاعاتی که از کار می‌گیرند تصمیم می‌گیرند فلان مبلغ را در اختیار کار قرار دهند. می‌گویند از این اثر تا این میزان حمایت می‌کنیم یا این نمی‌تواند حمایت شود و فقط اجرا می‌شود. این تصور ایجاد نشود که شورای حمایت مجوزی را باطل کرده است.

■ **اما شرایطی را به وجود آورده است که خیلی از کارها از ادامه مسیر انصراف بدهند.**
با هنرمندان که صحبت می‌کنیم، می‌گویند شورای حمایت شرایطی را به آنها تحمیل می‌کند که عملا ادامه کار برایشان امکان پذیر نیست.

آن نمایشی که شما اشاره کردید در چند جشنواره هم شرکت کرده است. متنش هم در جشنواره صاحب‌دان منتشر شده بود. وقتی خود ما یک مجوزی را به یک اثری می‌دهیم چطور ممکن است مجوز این اثر را باطل کنیم. دقیقا عنوان شده بود این نمایش برای اجرا در فلان سالان مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. این به معنای لغو مجوز نیست. هیچ مرجعی جز وزارت ارشاد که خود ما هستیم نمی‌تواند مجوزی را باطل کند. اگر جایی هم تشخیص بدهد مجوزی را باطل کند این ما هستیم که در نهایت این مجوز را باطل می‌کنیم. کماینکه این کار را انجام دادیم. ممکن است ما هم در جایی اشتباه کرده باشیم. مثلا در مورد یک نمایشی که در ایرانشهر اجرا می‌شد دقت لازم در صدور مجوز نبود.

■ **چون می‌خواهم بحث دیگری درباره شورای نظارت داشته باشیم**

من گفتیم این اتفاق نبوده است. ■ **گفتید نبود و قرار نیست آقای دکتر امینی از مرکز هنرهای نمایشی بروند.**
اما هنوز یک هفته نگذشته از این جریان، شاهد بودیم که بعد از گفت‌وگوی دکتر امینی در برنامه میله تئاتر و انتقاد از شورای حمایت از آثار نمایشی خبر تغییر ایشان منتشر می‌شود. سوءتفاهم پیش آمده است. من گفتیم ایشان فعلا مدیر نظارت و ارزشیابی هستند یعنی ایشان در آن زمان استعفا ندادند. من همان زمان هم گفتم که یکسری تغییرات در مرکز قرار است در هفته آینده بیفتد. یکی از این تغییرات هم همین بود. چون آقای دکتر امینی به دلیل مشغله‌هایی که در دانشگاه‌ها و جاهای دیگر داشتند، باعث شد حضور کمتری در شورای نظارت و ارزشیابی داشته باشند. جشنواره فجر هم بود، ایشان درگیری بیشتری داشتند و بیشتر کارهای شورا را در زمان عدم حضور ایشان خود من بنابر وظیفه اداری که داشتم انجام می‌دادم. اما این جابه‌جایی به این معنا نیست که ایشان استعفا دادند. در مورد نکته‌ای که دکتر امینی در میله تئاتر گفتند سوءتفاهمی بود که من توضیح می‌دهم. شورای حمایت مصوبات بسیار شفافی دارد. این شورا تاکنون مجوز نمایشی را لغو نکرده است. این را به عنوان سرپرست مرکز هنرهای نمایشی و سخنگوی شورا به شما می‌گویم. مصوبات هم هست که در طول حدود ۳۲ جلسه یک نمایش هم مجوزش باطل نشده است. برای آقای امینی بنا بر اطلاعاتی که گفته بودند سوءتفاهم برایشان وجود آمده بود.

■ **اما نمایشی بود که در دو جشنواره خود مرکز هنرهای نمایشی اجرا داشت و برگزیده آن هم شده است.** اسم نمایش را اجازه بدهید بنویزم چون سوءتفاهم می‌شود.

از چشم هنرمند

آینده ثابت می‌کند

منیژه محامدی



■ **من اصلا دلیل به وجود آمدن مرکز حمایت از تئاتر را نمی‌دانم.**
ما در زمینه تئاتر اگر مشکلی هم داشتیم در شورای ساخت حل می‌کردیم. هر شورای ساخت تصمیم‌گیری و برآورد بودجه می‌شد و مشکل خاصی پیش نمی‌آمد. اما الان باید اول برویم شورای ساخت، همه چیز را قطعی کنیم و روی بودجه و کار برنامه‌ریزی کنیم، بعد از شورای ساخت آن را به شورای حمایت بفرستند تا آنجا هم با یک جواب نه همه چیز را خراب کنند. من اصلا نمی‌دانم آنها چه می‌خواهند و چه می‌گویند و هدف‌شان هم چیست. از کارهایشان که نمی‌توان چیز خوبی را برداشت کرد. ما در شورای ساخت حتی مسایل مالی را هم تصویب می‌کردیم. گویا شورای حمایت زیر نظر آقای شاه‌آبادی فعالیت دارد. البته این شورا کار خودش را می‌کند و تصمیمات خودش را می‌گیرد و کاری هم به جامعه تئاتر و بالبی که سر تئاتر کشور می‌آید ندارد. آنها یک برنامه‌ریزی برای خودشان دارند و متأسفانه کار خودشان را هم می‌کنند و این اتفاق دردناکی است. متأسفانه ما یک برنامه‌ریزی قانونمند و مدون نداریم و هر کسی که می‌آید برنامه‌های خودش را پیاده و فکر می‌کند که کلی خدمت کرده، در حالی که همیشه خدمت و خیانت را آینده است که نشان می‌دهد و همیشه هم برعکس فکر دوستان که خود را خادم می‌دانند، آینده چیز دیگری را ثابت کرده است.

خانه تئاتر باید وارد شود

حمیدرضا آذرنگ



■ **در واقع من هنوز درباره فلسفه وجودی شوروی حمایت توجیه نیستم.**
اگر تئاتر ما قانون و قاعده مشخصی دارد، پس دیگر نیازی نیست که گروه دیگری بالای دست هنرمندان بیایند و بر سر هنرمندان منت بگذارند. این وظیفه کاملا معمولی است که باید برای ساخت و تولید اثر هنری در اختیار هنرمندان پول و بودجه قرار بگیرد، به خاطر در اختیار گذاشتن بودجه نمی‌فهمم، اصلا در واقع هنوز وظیفه این شورا مشخص نیست و آن طور که معلوم است تداخل مفاهیم زیادی با مرازکی که به موارات آن هستند دارد. من فعلا بر خوردی با این شورا نداشته‌ام و نمی‌توانم خیلی درست و مشخص از آن صحبت کنم. در مورد قضاوت دیگران هم نمی‌توان نظر مشخص داد. چرا که ما آنقدر قضاوت‌هایمان شخصی است و همه دنیا را برای خودمان می‌خواهیم که نظر درستی درباره چیزی صادر نمی‌کنیم. اگر چیزی به نفع‌مان باشد تعریفش را می‌کنیم و اگر به ضررمان باشد، تحقیرش می‌کنیم. شاید اگر آن‌ها یک دیگری که در زمینه سر و سامان دادن به اوضاع تئاتر وجود دارند، کارشان را درست انجام نمی‌دهند که نیازمند شورای دیگری می‌شویم. اگر خانه تئاتر موظف بر دفاع از حقوق مادی و معنوی خانواده تئاتر است باید این حمایت را بکند که متأسفانه این اتفاق هم نمی‌افتد. آیا اگر هم این نهادها همدیگر را قبول داشتند اتفاق مثبتی می‌افتاد و اوضاع تئاتر این نبود. متأسفانه سازمان‌ها عزم خود را جهت دفاع از حقوق هنرمندان جزم نمی‌کنند که شرایط تئاتر این‌طور می‌شود. این همان تئاتری است که می‌تواند رفتار یک جامعه را عوض کند اما فعلا شرایطش این‌طور است که حتی نمی‌تواند تصمیم کوچکی برای خودش بگیرد.

صورت مساله باید روشن شود

مریم کاظمی



■ **با اینکه چند ماه از قرار گرفتن شورای‌حمایت می‌گذرد، تفاوت آن را با شورای‌ساخت نمی‌فهم و با توجه به تعریف‌هایی که از خودش ارایه می‌کند فرقی با آن ندارد.**
اما با توجه به سه عملکردهایش، قبال همکاری‌مان باید بگویم که عوازل این شورای نادرستی دارد و ضربه عظیمی بر پیکره تئاتر ایران وارد می‌کند. اینکه شورایی بدون اینکه تعریف شود به صورت یک‌سویه و همچون قوه‌های قهریه به وارد عمل شود ناصواب است و تأثیری بسیار منفی دارد و در آینده یکی از بدترین مسایل اتفاق افتاده در تئاتر ایران خواهد بود. شورایی روی کار آمده که کار شورای نظارت را هم انجام می‌دهد و میزان حمایت از نمایش‌ها را هم تعیین می‌کند. من شخصا تاکنون با این شورا برخورد نداشته‌ام. اما آنچه که نشان می‌دهد از لحاظ صوری مساله است. صوری مساله به این معنا که روشن بشود وظیفه هر شورا چیست. سه شورای دیگر دارای وظایف مشخص هستند و اهالی تئاتر هم آنها را پذیرفته‌اند. وجود این شورا بی‌معنی است. این کارگردان در ادامه بیان کرد: ایجاب و تشکیل این شورا جای بحث و سوال دارد و تا ضرورت تشکیل این شورا مشخص نشود، نمی‌توان به کار کرد و فعالیت آن پرداخت. اما آنچه در این مدت کوتاه از فعالیت این شورا نشان داده شده است یک عنصر بوده و آن هم اجرای نمایشی که بدون نظر شورای هنری تئاتر شهر به صحنه رفته است.

چیزهایی که خود شورای حمایت برای معرفی خودش به خبرگزاری‌ها ارایه می‌کند هیچ تفاوتی با شورای‌ساخت ندارد و من دلیل وجود دو سازمان موازی را در یک گروه نمی‌فهمم.